

بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی زنان عشایر ایل سلیمانی در فرآیند توسعه پایدار مراتع

حمیدرضا سعیدی گراغانی* ، حسین ارزانی** ، فاطمه رزاقی بورخانی***
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۸

چکیده

دستیابی به توسعه پایدار و رشد اقتصادی از اهداف بزرگ همه کشورهای است و یکی از راه‌های عمده نیل به توسعه پایدار در جامعه عشایری توجه کافی و لازم به دانش بومی کوچ‌نشینان به‌ویژه زنان است. بر این اساس در این پژوهش مشارکتی سعی شد به معرفی، تشریح و تبیین جایگاه دانش بومی زنان عشایر ایل سلیمانی در فرآیند توسعه پایدار پرداخته شود. حوزه جغرافیایی این پژوهش مناطق زیست عشایر ایل سلیمانی در مرکز و جنوب استان کرمان می‌باشد. روش انجام این پژوهش کیفی است، در این روش ضمن انجام مصاحبه‌های عمیق و جمع‌آوری اطلاعات، سؤالات محوری در خصوص دانش بومی زنان عشایر مطرح شده است. نتایج جمع‌بندی اظهارات

hrsaeidi@ut.ac.ir

* دانش آموخته دکتری مرتعداری دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول)

harzani@ut.ac.ir

** استاد مرتعداری دانشگاه تهران.

hamidsaidi65@yahoo.com

*** استادیار ترویج کشاورزی دانشگاه تهران.

مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که زنان عشایر ایل سلیمانی دارای دانش تحسین‌برانگیزی در ارتباط با دامپزشکی و درمان انواع بیماری‌های دامی، فرآوری شیر و محصولات لبنی و صنایع دستی از جمله قالی، سیاه‌چادر، حصیر، آسیاب دستی، مفرشو، جاجیم و گلیم هستند که با الهام گرفتن از آن می‌توان در راستای توسعه پایدار مراتع گام برداشت. در جوامع عشایری سازمان تولید پیوسته یک ارتباط مستقیم بین تولیدکننده و مصرف‌کننده است و زنان و دختران عشایر به‌عنوان عنصری ویژه در ساختار اجتماعی و رکن اساسی واحدهای تولیدی عشایر مطرح هستند و می‌توانند باعث دستیابی به توسعه پایدار در مراتع شوند.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، توسعه پایدار، زنان عشایر، ایل سلیمانی،

استان کرمان

مقدمه و مرور پیشینه‌ها

در سینه مردمان این سرزمین کهن، اندوخته‌ها و تجربه‌های گرانقدری نهفته است که سیمای درخشانی از خردورزی، تأمل، دانش غنی و قومی، پویایی و تحرک و تلاش را پیش‌روی مخاطبان می‌گذارد، این تجربیات به‌عنوان دانش بومی شناخته شده و شاخه‌ای از علوم مردم‌شناسی می‌باشد که جایگاه ویژه‌ای در مطالعات زیربنایی توسعه پایدار دارد (محمدی‌هما، ۱۳۸۵: ۱۰۰). امروزه دانش بومی در عرصه‌های مختلف زندگانی بشر کاربرد دارد و به دلیل خصیصه‌های ویژه آن روزبه‌روز بر ارزش آن افزوده می‌شود در صورت بهره‌گیری صحیح از این دانش و درک پیوندهای نزدیک آن با تکنولوژی، حوزه‌های نوینی از اشتغال و کارآفرینی فرا روی بخش‌های مختلف قرار خواهد گرفت (فروتنی، ۱۳۹۳: ۱۸؛ شاه‌حسینی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). این دانش جزء سرمایه ملی بوده و نقش اساسی در تولید ناخالص ملی دارد. نهادهای بومی، فناوری‌ها و روش‌های بومی کم‌هزینه می‌توانند اثربخشی و پایداری برنامه‌های توسعه را افزایش دهند، زیرا دانش

بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی زنان عشایر ... ۱۷۵

بومی متعلق به افراد محلی می‌باشد و منبعی است که در سطح محلی مدیریت می‌شود (اوکرک^۱، ۲۰۱۲: ۲۰۳).

دانش بومی به‌عنوان علم محلی نقش ویژه‌ای در عرصه توسعه کشور دارد (حیدری و سعیدی گراغانی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). راهکارهای دانش بومی عموماً با رویکردهای اجتماعی و در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی و اجتماعی همراه است (طهماسب، ۱۳۹۱: ۲۲). این پدیده به‌گونه‌ای خاص و منطقی تضمین‌گر توسعه اجتماعی است و مقولاتی نظیر فقر و بیکاری با کارکردهای دانش بومی قابل‌حل هستند (سعیدی گراغانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۰). دانش بومی از ابزارهای توسعه پایدار محسوب می‌شود و این توسعه اگرچه بیشتر در قلمرو جوامع روستایی مفهوم و تجلی می‌یابد اما از نقطه نظر ملی نیز تأثیرات مثبت خود را به‌جای خواهد گذاشت و این موضوع می‌تواند به‌طور مستقیم با ایجاد زمینه‌های کار، مانع مهاجرت عشایر به شهرها باشد (معمدی، ۱۳۸۵: ۳۴؛ شاه‌حسینی، ۱۳۷۹: ۹۵). دانش بومی را می‌توان دانش به‌کارگیری منابع متناسب با شرایط اکولوژیک، فرهنگی و اجتماعی محیط دانست که بومیان در جهت رفع نیازهای خود از آن بهره می‌گیرند (شاه ولی و اردکانی، ۱۳۸۵: ۳۴). همچنین دانش بومی علمی است معطوف به تجربه و متناسب با زیست‌بوم که بخشی از نیازهای انسانی از طریق آن مرتفع می‌گردد. این علم ریشه در گذشته دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (گلزاری و میردامادی، ۱۳۸۹: ۳۴).

بیش از سه دهه از آغاز تلاش‌های سازمان یافته بین‌المللی در زمینه پژوهش دانش بومی جوامع سنتی می‌گذرد. نخست این پژوهش صرفاً برای یادگیری فنون کشاورزی، معماری، و طب سنتی و به‌منظور ابداع تکنولوژی مناسب صورت می‌گرفت. اما صاحب‌نظران توسعه هم‌اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که، برای جلوگیری جدی از تبعات زیان‌بار توسعه صنعتی، بهره‌برداری

مقطعی و یا دست‌کاری‌های موردی در نظام توسعه صنعتی کافی نیست. بنابراین، تلاش گسترده‌ای برای بهره‌برداری فرهنگی و اجتماعی از یافته‌های دانش بومی آغاز شده است. در سه دهه اخیر، صاحب‌نظران توسعه، در محافل بین‌المللی، بر لزوم برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت منابع به‌طور غیرمتمرکز و با مشارکت مردم محلی تأکید کرده‌اند (گرمبل و همکاران^۱، ۲۰۰۲: ۳). به‌طور کلی، تداوم در حفظ مدیریت سنتی منابع تجدیدپذیر برای ساختن یک زندگی پایدار با استفاده از دانش بومی و مکانیسم‌های مشارکتی در جامعه زنان و مردان عشایری ضروری است. از این‌رو، پژوهش در زمینه‌هایی چون شیوه‌های یاریگری، تشکل‌سازی و نیز شناخت‌شناسی بومی نیز آغاز شده است (راسخی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳۴). وضعیت زنان هر جامعه نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه و اعتلای کشورها در گرو استفاده هدفمند از تمام نیروها و استعدادهای انسانی خود و از جمله زنان است. زنان عشایری به‌عنوان نیمی از جمعیت کوچ‌نشینان نقش بارزی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند و رسیدن به توسعه پایدار مناطق عشایری توجه بیشتر به زنان که مشارکت فعالانه دارند را می‌طلبد (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۹؛ امانی، ۱۳۹۳: ۱۵۴). زنان آموز‌شده‌ندگان دانش محلی و بومی خود در زمینه تهیه و تأمین غذا، درمان، بهداشت و ارزش‌های فرهنگی به نسل آینده خود هستند (شاه‌رودی و چیدری، ۱۳۸۵: ۳۲؛ علی‌بابایی عمران، ۱۳۹۳: ۷۳). دانش بومی زنان عشایر و توانایی ذاتی آن‌ها از مؤثرترین راه‌ها برای رسیدن به امنیت غذایی خانواده‌ها در مناطق روستایی و عشایری است (سعیدی گراغانی، ۱۳۹۵: ۳۲؛ عثمان^۲، ۲۰۱۲: ۲۱).

سالاروند و خسروی پور (۱۳۹۲) با بررسی تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار بیان نمودند که زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت در مناطق روستایی و عشایری در دنیا نقش بسزایی در اقتصاد و امور خانه دارند و دستیابی به توسعه پایدار

1. Grimble & Laidlaw
2. Osman

روستایی بدون توجه به این قشر غیرممکن است و دانش بومی زنان روستایی از جمله ضروریاتی است که جامعه برای رسیدن به توسعه به آن نیازمند است. افشار زاده و پاپ زن (۱۳۹۰) نیز در مطالعه‌ای با عنوان دانش بومی زنان در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی بیان نمودند که زنان عشایر دارای دانشی تحسین‌برانگیز در ارتباط با تغذیه دام، دامپزشکی، فرآورده‌های شیر و محصولات غیر لبنی قابل بازگشت به طبیعت هستند که با الهام گرفتن از آن می‌توان در راستای پایداری کشاورزی و از آن جمله دامپروری گام برداشت. در مطالعه دیگری پاپ زن و افشار زاده (۱۳۸۹) با بررسی دانش بومی شناسایی، تولیدمثل و به‌گزینی دام در میان زنان عشایر کوچنده ایل کلهر بیان نمودند که سازوکارهایی مانند شیوه‌های شناسایی دام‌ها، عوامل محرک و محدودکننده بلوغ جنسی، شیوه مشخص کردن دام‌های حذفی و نیز معیارهای به‌گزینی از سوی دامداران کوچنده استفاده می‌شود، که توجه بدین دانش زمان آزموده را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بوذرجمهری و رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی بیان نمودند که بر اساس پارادیم‌های جدید توسعه روستایی، به‌منظور حل مشکلات روستایی، ابتدا باید به راه‌حل‌های بومی رجوع کرد، اگر کارساز بود، آن‌ها را تقویت و بهبود بخشید؛ در غیر این صورت از راه‌حل‌های بیرونی استفاده و آن‌ها را آزمایش کرد. همچنین گلزاری و میردامادی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان دانش بومی رویکرد کاربردی در توسعه پایدار بیان نمودند که تکنولوژی بومی که به‌وسیله جامعه بکارگرفته می‌شود ممکن است راه گشای جامعه دیگر در نقاط دیگری از جهان هم باشد. در توسعه انسانی پایدار، مردم به‌عنوان هدف سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌شوند که دامنه انتخاب‌های آنان گسترش داده می‌شود تا در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت فعال داشته باشند. بنابراین مشارکت مردم یکی از ابزارهای توسعه انسانی پایدار است. ولی مشارکت فعال افراد

روستایی در توسعه روستا به شکل پایدار آن جز با باور کردن نقش دانش، بینش و مهارت‌های افراد روستایی امکان‌پذیر نخواهد بود. همچنین هار و کری کو^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه خود برای جلب مشارکت مردمی بیشتر، شناسایی دانش بومی و روش‌های سنتی را قبل از اجرای طرح‌های مشارکتی مورد تأکید قرار می‌دهند.

از آنجا که دانش بومی برگرفته از زندگی افراد بومی و بخش مهمی از زندگی افراد کم‌درآمد می‌باشد و به‌کارگیری آن با حداقل امکانات و ابزار امکان‌پذیر است، بسیار راحت‌تر از فن‌آوری مدرن وارداتی از کشورهای توسعه‌یافته توسط افراد کم‌درآمد جامعه پذیرفته شده و بکار گرفته می‌شود و می‌تواند اثر بیشتری در بهبود سطح زندگی عشایر کشور داشته باشد. بدین ترتیب اتخاذ سیاست‌های مالی و ایجاد فرصت‌های مناسب برای سازمان‌های غیردولتی و جوامع مدنی و استفاده از فن‌آوری مدرن اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند با تسهیل تبادل دانش بومی باعث ماندگاری و دوام آن و از طرفی تسهیم مزایای به‌کارگیری این دانش برای حصول به اهداف توسعه پایدار در جوامع مختلف شود. بنا بر آنچه گفته شد هدف از این مطالعه تشریح و تبیین جایگاه دانش بومی زنان عشایر ایل سلیمانی در فرآیند توسعه پایدار مراتع استان کرمان می‌باشد تا کارکرد آن در مدیریت و توسعه پایدار مناطق عشایری مورد توجه قرار گیرد.

روش‌شناسی

قلمرو جغرافیایی پژوهش

زیست‌بوم‌های عشایر ایل سلیمانی در مرکز و جنوب استان کرمان واقع هستند. استان کرمان با مساحتی برابر با ۱۸۰۷۲۵ کیلومترمربع بین ۲۶ درجه و ۲۹ دقیقه تا ۵۹ درجه ۲۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۲۶ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۲۹ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. حد شمالی آن استان‌های خراسان جنوبی و یزد، حد جنوبی آن

بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی زنان عشایر ... ۱۷۹

هرمزگان، حد شرقی سیستان و بلوچستان و حد غربی فارس می‌باشد. اقلیم مراتع ییلاقی عشایر ایل سلیمانی با متوسط بارندگی ۳۲۰ میلی‌متر، سرد و خشک و مراتع قشلاقی با میانگین بارندگی ۱۸۰ میلی‌متر، آب و هوایی گرم و خشک دارد (لری جعفرآبادی، ۱۳۹۱: ۲۰). زیست‌بوم‌های ایل سلیمانی شامل:

۱- زیست‌بوم جیرفت - ساردوئیه؛

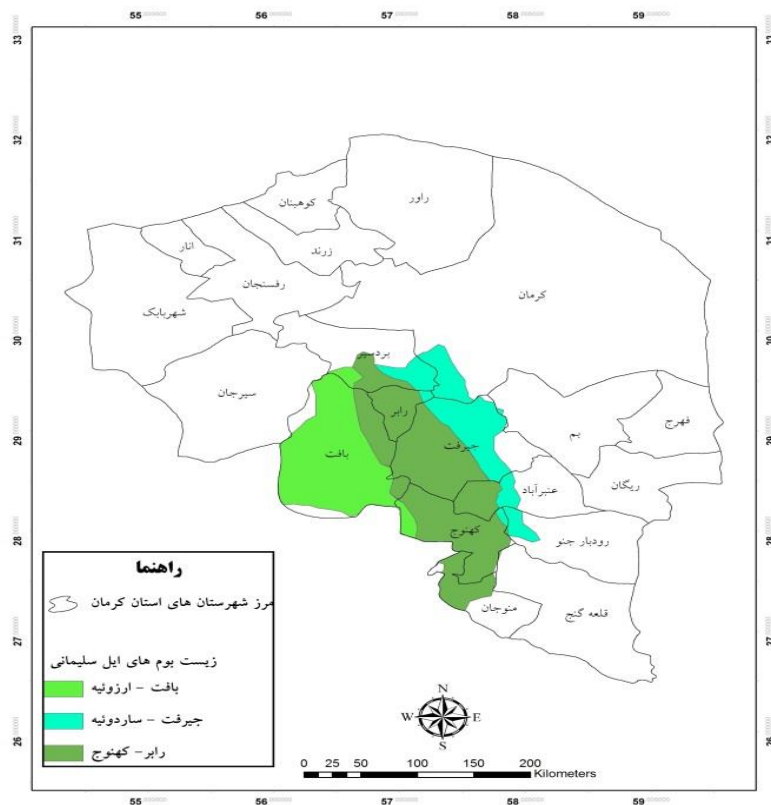
این زیست‌بوم شامل مناطقی همچون حسین‌آباد، سلمان‌آباد، تل سیاه، بند سراجی و حاشیه هلیل رود است. آب‌های سطحی این زیست‌بوم شامل رودخانه شور، سرشاخه‌های رودخانه تهرود به نام سوراخ مار، گور، چیدان، هفت کوسک و چاری که قسمتی از حوزه آبریز آن در زیست‌بوم قرار دارد می‌باشد. مساحت کل مراتع این منطقه ۳۰۵۷۳۰ هکتار بوده و علوفه قابل‌برداشت ۳۵۸۷۰ تن در سال می‌باشد.

۲- زیست‌بوم رابر - کهنوج؛

این زیست‌بوم شامل مناطقی همچون اسفندقه، بلوک، گنج‌آباد، گلو سیدآباد و... است. مساحت کل مراتع این منطقه ۱۱۱۰۵۰۰ هکتار می‌باشد.

۳- زیست‌بوم بافت - ارزوئیه؛

این زیست‌بوم با مساحت ۱۳۵۷۸۰۰ هکتار مناطقی از شهرستان‌های بردسیر، بافت و کهنوج را شامل می‌گردد. این زیست‌بوم به ۵۶ سامانه ییلاقی و قشلاقی تقسیم شده است. مساحت کل مراتع این منطقه ۸۴۳۲۰۰ هکتار می‌باشد (شکل ۱).



شکل ۱- نقشه زیست‌بوم‌های ایل سلیمانی در استان کرمان

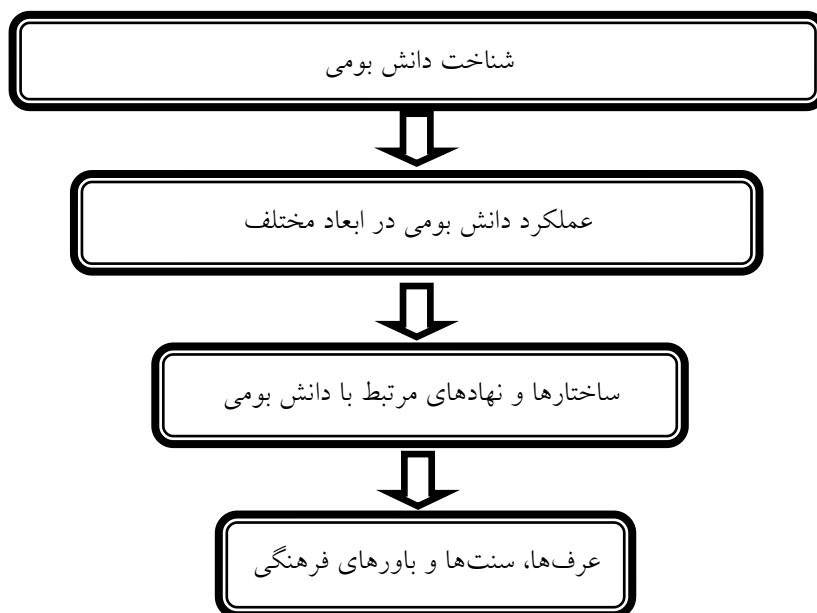
روش پژوهش

در بخش زمینه‌ای این تحقیق آمار و اطلاعات مورد نیاز از طرح‌های مرتع‌داری منطقه، مقالات علمی و پژوهشی، شبکه اینترنت و کارشناسان اداره امور عشایری و اداره کل منابع طبیعی استان کرمان جمع‌آوری شد. تحقیق در زمینه دانش بومی به دلیل کیفی بودن موضوع، غالباً از نوع اکتشافی است. در این پژوهش مشارکتی از تکنیک‌های گروه‌های متمرکز و روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در نمونه‌گیری‌های هدفمند، اصولاً هدف انتخاب مواردی است که با توجه به موضوع تحقیق اطلاعات

زیادی داشته باشند (پاپ زن و افشار زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۲). جامعه آماری این تحقیق را زنان عشایر کوچنده ایل سلیمانی که زیست‌بوم آن‌ها مناطق مرکزی و جنوب استان کرمان است تشکیل داده‌اند. در این تحقیق با نمونه‌گیری هدفمند ضمن فیش‌برداری، دسته‌بندی و مشاهده حضوری از ۵۱ نفر از زنان عشایر ایل سلیمانی (این افراد توسط اداره امور عشایری شهرستان جیرفت و اداره کل منابع طبیعی جنوب استان کرمان معرفی شدند) به صورت فردی (از ۳۱ نفر) یا گروهی (۲ الی ۵ نفره) مصاحبه به عمل آمده است. مصاحبه و پرسش‌ها در این پژوهش مشارکتی تا جایی ادامه یافت که پاسخ‌های تکراری برای محقق اثبات شد و ادامه مصاحبه‌ها نکته‌ای جدید به یادداشت‌ها اضافه نمی‌نمود. این کیفیت در اثر تکرار پاسخ‌های مشابه از طرف مصاحبه‌شوندگان مختلف برای محقق محرز می‌گردد (بارانی، ۱۳۸۲: ۱۳۱). در هرکدام از این مصاحبه‌های انفرادی و گروهی، برای پرهیز از خستگی افراد، مصاحبه بیش از یک تا دو ساعت به طول نمی‌انجامید. یادداشت‌ها به روش تحلیل محتوا مقوله‌بندی شد و سپس نتایج آن تدوین شد. زنان آگاه از دوازده سامان عرفی در منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند. این افراد همگی از ایل سلیمانی بودند. در این تحقیق جنبه‌های مختلف دانش بومی زنان عشایر از جمله روش‌های سنتی و بومی درمان بیماری‌های دامی، فرآوری محصولات شیری، صنایع دستی منطقه و ... مورد بررسی قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد. به این معنا که بعد از مطالعه کلی مباحث مطروحه، بحث در حیطه‌های مختلف مقوله‌بندی شده و داده‌های مربوط به آن در همان حیطه قرار گرفت.

برای تحلیل دانش بومی رایج در منطقه و به منظور شناخت کامل دانش سنتی چندین سطح تحلیلی را می‌توان در نظر گرفت. این سطوح شامل شناخت دانش، عملکرد، ساختار اجتماعی، باورها و سنت‌هاست (شکل ۲). این چارچوب با شناخت دانش تجربی آغاز می‌شود. در سطح دوم تأکید بر عملکرد دانش بومی است. در سومین سطح، به ساختار اجتماعی مرتبط با

دانش بومی توجه می‌شود. در بالاترین سطح تحلیل، تمرکز بر شکل‌گیری درک منطقی و ادراک زیست‌محیطی است، که می‌تواند باورهای بومی، عقاید و سنت‌های محلی را در برگیرد (قربانی و همکاران، ۲۰۱۳: ۳؛ کالاند، ۱۹۹۴: ۶۸). باید توجه داشت که در تحلیل دانش بومی این چارچوب می‌تواند مؤثر واقع شود و بر اساس آن مؤلفه‌های مختلف دانش بومی قابل‌بررسی و تحلیل خواهند بود.



شکل ۲- سطوح تحلیل بدنه دانش بومی

یافته‌های پژوهش

طبقه‌بندی پاسخگویان برحسب سن، سواد

بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی زنان عشایر ... ۱۸۳

با توجه به جدول (۱)، حدود ۱۳/۷۲ درصد پاسخگویان (زنان عشایر) کمتر از ۳۰ سال سن، ۳۲/۲۵ درصد ۳۰ تا ۴۵ سال سن، ۳۸/۷ درصد بین ۴۶ تا ۶۰ سال سن دارند و تنها ۱۶/۱۵ درصد پاسخگویان در طبقه سنی بالاتر از ۶۵ سال قرار داشتند. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که حدود ۲۵ درصد پاسخگویان بی‌سواد بوده اما حدود ۷۵ درصد آن‌ها دارای تحصیلات در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و یا مقاطع بالاتر هستند که از این بین ۱۵/۷ درصد پاسخگویان تحصیلات دیپلم و یا بالاتر دارند که این نتایج بیانگر سطح سواد و معلومات بالای زنان عشایر ایل سلیمانی است.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب گروه‌های سنی و سواد

متغیرها	طبقه‌بندی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
سن	کمتر از ۳۰ سال	۷	۱۳/۷۲	۱۳/۷۲
	۳۰-۴۵	۱۸	۳۲/۲۵	۴۵/۹۷
	۴۶-۶۰	۲۰	۳۸/۷	۸۴/۶۷
	بیشتر از ۶۰ سال	۶	۱۶/۱۵	۱۰۰
	مجموع	۵۱	۱۰۰	-
سواد	بی‌سواد	۱۳	۲۵/۴۹	۲۵/۴۹
	ابتدایی	۱۸	۳۵/۲۹	۶۰/۷۸
	راهنمایی یا متوسطه	۱۲	۲۳/۵۲	۸۴/۳
	دیپلم یا بالاتر	۸	۱۵/۷	۱۰۰
	مجموع	۵۱	۱۰۰	-

بر اساس موضوع محوری، مضامین و مفاهیم موجود در مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها، موارد با بیشترین فراوانی و تکرار طبقه‌بندی شد. بخشی از این مفاهیم به‌طور مستقیم از متن یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها استخراج و بخش دیگری از یافته‌ها با استنباط و تفسیر

آن‌ها استخراج شده است. آنچه در زیر آمده تلفیقی از این دو بخش است که بر اساس موضوعات محوری طرح شده در مصاحبه‌های عمیق ارائه می‌شود.

فرآوری محلی مشتقات شیر در بین زنان عشایر

شیردوشی: شیردوشی در ایشوم‌ها^۱ توسط زنان در داخل پرچ^۲ متعلق به هر خانواده انجام می‌شود. معمولاً شیردوشی در دو نوبت صبح (بین ساعت ۷ تا ۸) و بعد از ظهر (بین ساعت ۶ تا ۷) انجام می‌شود. زنان عشایر برای هر یک از دام‌های شیرده اسم مخصوصی می‌گذارند و وقت شیردوشی دام را با اسم خودش صدا زده و می‌دوشند. از اسم‌هایی که معمولاً برای بزها و گوسفندان شیری در منطقه گذاشته می‌شود می‌توان به نالوک (کوچک)، فالو (زیبا) و بورک (موهای قهوه‌ای روشن) اشاره کرد. در هر بار شیردوشی هر بز نیم لیتر یا کمی بیشتر شیر می‌دهد این در حالی است که میزان شیر گوسفندان کمتر می‌باشد (محمدی، ۱۳۹۵: یادداشت ۱۲۱).

ابزار فرآوری مشتقات شیر: یکی از ابزارهای فرآوری مشتقات شیر، مشک می‌باشد که توسط زنان عشایر از پوست بز و یا گوسفند ساخته می‌شود. عشایر منطقه از مشک‌های مختلفی استفاده می‌کنند که شامل: مشک دروغ‌زنی، کلی (مشک ذخیره کره)، مشک آبی، مشک خرما و مشک گوشت (برای نگهداری گوشت پخته شده برای یک مدت کوتاه) می‌باشد.

۱- ایشوم قسمتی از یک مرتع می‌باشد که به‌تنهایی یا به‌صورت ترکیبی از بهره‌برداران اداره شده و در واقع محل سکونت اعضای خانواده و دام در طول دوره کوچ (چه در مناطق بیلاقی و چه در منطقه قشلاقی) می‌باشد و عمدتاً مرزهای آن از سوی ایشوم‌های مجاور به رسمیت شناخته می‌شود. ایشوم همچنین یک واحد اجتماعی، اقتصادی و اصلی‌ترین گروه خویشاوندی عشایر ایل سلیمانی به شمار می‌رود. ایشوم معادل بنکو در ایل قشقایی یا مال در ایل بختیاری است.

۲- به محل دوشیدن گوسفندان در زبان محلی پرچ گفته می‌شود. پرچ محوطه‌ای می‌باشد که اطراف آن با سنگ و چوب محصور شده است.

چگونگی تهیه مشک: زنان عشایر انواع مشک‌ها را از پوست بز و یا گوسفندان بزرگ درست می‌کنند. روش کار به این صورت است که پوست گوسفند بعد از این که خشک شد پشم و مو و کرک آن را کامل می‌گیرند. شیره خرما و خاکستر هیزم بنه (*Pistacia atlantica*) را داخل آن ریخته و در یک دیگ با آب و روس (پوست قرمز رنگ ریشه بادام‌کوهی) می‌جوشانند که به این حالت در اصطلاح محلی هیت کردن می‌گویند. در پایان هم مشک را با آتش دود می‌دهند (محمدی سلیمانی، ۱۳۹۵: یادداشت ۱۲۵).

فراورده‌های لبنی: زنان عشایر منطقه پس از دوشیدن و جوشاندن حدود ۱۰ تا ۲۰ دقیقه‌ای شیر در ظروف فلزی به نام کماجدون (قابلمه بزرگ مسی) آن را به انواع مشتقات و فراورده‌ها تبدیل می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت در این ایل زنان عشایر بیش از ۱۲ فراورده لبنی را تولید و روانه بازارهای محلی می‌کنند. بازارهای محلی فروش فراورده‌های لبنی عشایر ایل سلیمانی در شهرستان‌های رابر، عنبرآباد، جیرفت و کهنوج واقع هستند.

فراورده‌های لبنی زنان عشایر منطقه عبارت‌اند از: ۱- آغوس: به شیری که در چند روز ابتدای شیردوشی گوسفند بدست می‌آید آغوس گفته می‌شود. آغوس بسیار پرچرب بوده و عشایر آن را نمی‌جوشانند، ۲- تازه: همان شیر جوشانده شده را تازه می‌گویند، ۳- ماست: پس از جوشاندن شیر، مایه ماست را به آن افزوده و ماست تولید می‌کنند، ۴- دوغ: پس از تولید ماست آن را داخل مشک ریخته و با آب گرم که معمولاً نسبت یک به سه دارند مخلوط کرده و دوغ تولید می‌کنند، ۵- توراق: نوعی کشک است و از دوغ جوشانده شده بدست می‌آید، ۶- کشک: توراق را خشک کرده و کشک تولید می‌کنند، ۷- کره: پس از تولید دوغ به‌وسیله مشک بر روی آن کره تشکیل می‌شود، ۸- روغن حیوانی: معمولاً از هر ۲۰ تا ۲۵ لیتر شیر یک کیلوگرم روغن حیوانی بدست می‌آید که بسیار مقوی بوده و در پخت غذاهای محلی استفاده شده و طعم مطبوعی به غذا می‌دهد. برای تهیه روغن حیوانی کره را حرارت داده و مقداری

آرد و برگ خشک شده گونه ازگن (*Thymus fedtschenkoi*) به آن افزوده و پس از حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه این محلول را با صافی‌های مخصوص جدا نموده و روغن بدست می‌آورند، ۹- ماست کیسه‌ای: ماست را داخل کیسه‌های مخصوصی قرار داده و آب آن را می‌گیرند تا ماست کیسه‌ای تولید شود، ۱۰- پنیر: ابتدا شیر را جوشانده و در همین حالت به مقدار کافی مایه‌پنیر به آن می‌افزایند و سپس ماده‌ای که بدست می‌آید را در کیسه‌های نخی مخصوصی قرار داده و پس از مدت معینی آن را به‌عنوان صبحانه میل می‌کنند، ۱۱- ترف: از آب چکیده ماست یا دوغ‌های کیسه‌ای بدست می‌آید که بسیار ترش و خوشمزه بوده و در تهیه انواع غذاهای محلی استفاده می‌شود و ۱۲- سرشیر: به چربی روی شیر سرشیر گویند، که آن را از شیر گرفته و به‌عنوان صبحانه میل می‌کنند (سلیمانی، ۱۳۹۵: یادداشت ۱۳۲).

صنایع دستی

صنایع دستی دربرگیرنده کلیه فرآورده‌های دست‌ساز و دست‌بافت عشایر است که عمدتاً به‌وسیله زنان عشایر تولید می‌شود که بخشی از آن صرف رفع حوائج زندگی و بخشی دیگر به‌عنوان منبع کسب درآمد برای خانوار به معرض فروش گذاشته می‌شود. مهم‌ترین صنعت دستی زنان ایل سلیمانی، قالی‌بافی است و بهترین نوع قالی آن قالی گل سرخ است که دارای شهرت زیادی در استان کرمان و کشور است. زنان عشایر ایل سلیمانی هنر قالیبافی را خوب می‌دانند و آن را نسل به نسل انتقال داده‌اند و دلیل این انتقال، به خاطر سنتی بوده که داشتند و آن همراه کردن چندتخته قالی همراه عروس به‌عنوان جهیزیه بوده و شاید همین نیاز باعث شده که این هنر تا امروز در این منطقه پایدار باشد. علت نام‌گذاری فرش گل سرخ به علت وجود دسته‌گل‌های رزی است که در متن این فرش به‌صورت سراسر تکرار می‌شود و به علت رنگ‌های سبز یشمی، سورمه‌ای و کرم که در متن فرش استفاده می‌شود، دسته‌گل‌ها، نمای زیبایی به فرش می‌دهند. حاشیه منجق به‌صورت دو گل رز است که به‌صورت قرینه کنار هم قرار دارند

و وقتی از زمینه کرم در این حاشیه استفاده شود همخوانی زیبایی در فرش ایجاد می‌شود و شاید یکی از دلایل معروفیت و مورد توجه قرار گرفتن این فرش در میان خریداران، همین ویژگی باشد که به هر بیننده‌ای آرامش می‌دهد، که این خود دلیلی است بر ذوق هنری مردم این منطقه. با توجه به این که عشایر ایل سلیمانی دارای بیلاق و قشلاق هستند اغلب دارها به‌صورت زمینی (افقی) بنا می‌شود و دلیش حمل ساده آن می‌باشد (علیدادی، ۱۳۹۵: یادداشت ۲۰۰). علاوه بر قالی، گلیم‌بافی و جاجیم‌بافی نیز در بین زنان ایل سلیمانی رواج دارد. جنس گلیم و جاجیم از پشم بهاره گوسفندان است که پس از ریسیده شدن با رنگ‌های طبیعی بافته می‌شوند. بافت قالی، گلیم و جاجیم در جوامع عشایری حالت حرفه‌ای غیر دائم و فصلی دارد. از دیگر صنایع دستی منطقه می‌توان به سیاه‌چادر اشاره کرد. در ایلات استان کرمان طراحی نیاکان ایل منجر به تولید سکونتگاهی با قابلیت حمل شده که به‌عنوان یک معماری بومی پذیرفته و نقل و برپایی و برچیدن آن بسیار راحت است. سیاه‌چادر به شکلی هوشمندانه طراحی شده که استفاده کامل از ظرفیت‌های موجود در محیط را به همراه دارد و توسط زنان عشایر بافته شده و به‌وسیله مردان برپا می‌شود. سیاه‌چادر نمود هنر معماری عشایر است هم به لحاظ ساختاری و هم از این منظر که در سازگاری با شرایط محیطی طراحی شده است. چادرها به این دلیل ساخته شدند که به‌سرعت در یک محل برپا می‌شوند، جمع می‌شوند و به محل جدید انتقال می‌یابند. به‌طور سنتی چادرها به سه بخش تقسیم می‌شوند: قسمت مردانه، قسمت خانوادگی و آشپزخانه. چادرها از موی بز و گوسفند تهیه می‌شوند و اندازه آن‌ها به اهمیت و وضعیت اقتصادی صاحبشان و تعداد افراد خانواده برمی‌گردد (مارکی، ۱۳۹۵: یادداشت ۱۵۰). این سازه سنتی سکونتگاهی چهارفصل است که با اندک تغییرات، خود با تغییرات فصول هماهنگ می‌گردد و در آن علاوه بر رعایت شرایط لازم برای زندگی، به جنبه‌های هنری نیز توجه شده است. در این نوع معماری به‌راحتی می‌توان ویژگی‌هایی همچون استفاده از مصالح محلی نظیر موی بز، چوب‌های اُرس (*Juniperus polycarpos*)، بادام‌کوهی (*Amygdalus*)

(communis) و...، ایستایی، سادگی و پرهیز از بهبودگی را که از ویژگی‌های اصلی یک بنا محسوب می‌شوند دید. از صنایع‌دستی دیگر عشایر ایل سلیمانی می‌توان به حصیربافی (حصار دور سیاه‌چادر عشایر که به وسیله ساقه گیاه نی ساخته می‌شود)، آسیاب دستی، خورجین (وسیله حمل اسباب و اثاث می‌باشد که روی گرده اسب، قاطر و الاغ قرار می‌گیرد) و مفرشو (کیسه‌ای پارچه‌ای جهت نگهداری قند و یا خشکبار) اشاره کرد.

استفاده از محصولات فرعی مراتع

زنان عشایر سلیمانی از گیاهان بومی منطقه جهت تهیه غذا، دارو و صنایع‌دستی استفاده می‌کنند، که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

- ۱- **بنه** (*Pistacia atlantica*): زنان عشایر از میوه نارس این گیاه برای درست کردن ترشی و از هسته میوه رسیده بنه پس از آسیاب و مخلوط کردن با آب جوش برای درست کردن غذایی با نام قاتق استفاده می‌کنند. ۲- **کنار** (*Ziziphus spinachristi*): میوه نارنجی رنگ این گونه ارزش تغذیه‌ای فراوان داشته و علاوه بر مصرف خوراکی، قابلیت تجاری بالایی دارد. در گذشته مردم محلی از برگ این گیاه جهت شستشوی موی سر استفاده می‌کردند. ۳- **بادام کوهی** (*Amygdalus communis*): بذور گونه بادام کوهی توسط عشایر جمع‌آوری شده و با شیرین کردن هسته آن به عنوان آجیل استفاده می‌شود. همچنین زنان عشایر از شاخ و برگ این گیاه جهت درست کردن صنایع‌دستی مانند جارو استفاده می‌نمایند. ۴- **آویشن** (*Thymus kotschyanus*): از جوشانده این گیاه برای شستشوی زخم‌ها استفاده شده و به عنوان طعم‌دهنده در غذاهای محلی استفاده می‌شود. ۵- **زیره کوهی** (*Bunium persicum*): این گیاه به عنوان اشتهاآور، ضد نفخ، مقوی معده، افزایش شیر مادران و در غذا به عنوان چاشنی و طعم‌دهنده کاربرد دارد. ۶- **نعناع** (*Mentha spicata*): عشایر عرق این گیاه را

گرفته و از آن جهت رفع دل‌درد و یا به‌عنوان طعم‌دهنده خوراکی استفاده می‌کنند (محمدی سلیمانی، ۱۳۹۵: یادداشت ۱۳۹). ۷- کور (*Capparis spinosa*): جوانه‌های ناشکفته و مولد گل آن، اثر نیرو دهنده دارد و برگ کور اقسام کرم معده و روده را از بین می‌برد. عشایر استان کرمان میوه‌های نارس و ریز این‌گونه را پس از برداشت درون سرکه یا آب‌نمک نگهداری کرده و ترشی خوشمزه‌ای درست می‌کنند. ۸- کنگر وحشی (*Gundelia tourneforti*): زنان عشایر از این گیاه در پخت سوپ، خورش و حتی به‌صورت خام در سالاد و ماست استفاده می‌کنند. ۹- اسپند (*Peganum harmala*): به‌عنوان ضد عفونی‌کننده هوا و جلوگیری از چشم‌زخم استفاده می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۵: یادداشت ۶۸).

علاوه بر استفاده از گیاهان یادشده برای رفع مایحتاج زندگی، زنان عشایر منطقه با جمع‌آوری قسمت‌های مورد استفاده دارویی، خوراکی و صنعتی این گیاهان در فصول خاصی از سال، آن‌ها را به‌صورت خام نیز در بازارهای محلی به فروش می‌رسانند و درآمدی را نصیب خانواده می‌کنند.

روش‌های سنتی و بومی درمان بیماری‌های دامی (دامپزشکی سنتی)

زنان عشایر ایل سلیمانی در درمان دام و پیشگیری بروز بیماری دام‌ها از تجربیات ارزشمندی برخوردار هستند که در این پژوهش به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. **بیماری علف‌ریز:** در این بیماری دام در اثر لاغری پوستش شل می‌شود و هنگام چرا علوفه از اطراف دهانش می‌ریزد و نمی‌تواند علوفه را به‌خوبی بخورد. برای درمان این بیماری پوست اطراف دهان گوسفند را با نخ‌هایی از جنس پنبه می‌دوزند تا پوست دهان‌تنگ شود و گوسفند بتواند به زندگی خود ادامه دهد.

۲. **بیماری دشتی (سیاه مایه):** از علائم آن این است که دام در عرصه یک‌دفعه از چرا امتناع کرده (قبل از این که سیر شود) و همچنین این بیماری باعث لنگیدن دام

هنگام راه رفتن شده و شیر آن حالت غیرطبیعی به خود می‌گیرد. اگر این بیماری درمان نشود گوسفند دیگر توانایی بچه‌زایی و تولید شیر را در طول زندگی نخواهد داشت. روش درمان این بیماری به شرح زیر می‌باشد: هر قسمت سینه گوسفند که دچار این بیماری شد گوش عکس آن را از انتها محکم می‌بندند و بعد از این که گوش ورم کرد با سوزن به قسمت ورم کرده گوش زده و با خارج شدن چرک از این قسمت دام پس از مدتی درمان می‌شود.

۳. **شور بادی:** از علائم آن سفید شدن همه چشم و ورم کردن آن می‌باشد. روش درمان این بیماری به شرح زیر می‌باشد: برای درمان این بیماری تکه چوبی را تراشیده که در حد و اندازه چوب کبریت می‌شود، سپس این تکه چوب را داخل شکاف کام دهان گوسفند قرار می‌دهند. پس از چند روز گوسفند به زندگی عادی خود بر خواهد گشت.

۴. **شلوکی (طبقه):** معمولاً در فصل بهار گوسفندان به این بیماری دچار می‌شوند و علائم آن این است که دام دچار زخم پا شده و می‌لنگد. روش درمان این بیماری به شرح زیر می‌باشد: برای درمان این بیماری از نوعی بوته خاردار به نام چرخه (*Launaea acanthodes*) استفاده می‌کنند. بوته سبز این گیاه را داخل آب شرب گوسفندان قرار می‌دهند و گوسفندان با نوشیدن این آب پس از مدتی درمان می‌شوند.

۵. **پپ درد:** در این بیماری دام سرفه خشک زیاد می‌کند. برای درمان این بیماری بومیان منطقه تکه نمدی را با آتش حرارت داده تا داغ شود و آن را به زیر بغل گوسفند می‌فشارند این عمل را برای دو الی سه مرتبه در طول یک هفته تکرار کرده و پس از مدتی گوسفند درمان می‌شود.

۶. **تب برفکی:** تب برفکی بیماری رایجی در منطقه می‌باشد که معمولاً در فصل بهار رخ می‌دهد. از علائم این بیماری می‌توان به تب و لرز شدید، کاهش سریع وزن و شیر، کم خوری و بی‌حالی اشاره کرد. معمولاً زمانی که دامدار تشخیص می‌دهد که دامش به این بیماری مبتلا شده آن را از بقیه گله جدا کرده و برای جلوگیری از

سرایت به سایرین در مکانی دور از سایر دام‌ها مراقبت و نگهداری می‌کند. ظاهراً روش سنتی خاصی برای درمان این بیماری در منطقه وجود نداشته و پس از تجویز دامپزشک از دارو و آمپول‌های مخصوص برای درمان آن استفاده می‌کنند.

۷. **گری:** در این بیماری پشم‌های گوسفند ریخته و پوست آن سفیدک می‌زند و زبر می‌شود. برای درمان این بیماری نمک را با روغن حیوانی مخلوط کرده و روی پوست دام می‌مالند.

۸. **علفی شدن:** در این بیماری گوسفند علف ناسازگار خورده و باعث نفخ دام می‌شود. برای درمان این بیماری مقداری نمک در حد دو قاشق در دهان دام ریخته و مقداری از پشم‌های دو طرف شکم را قیچی می‌کنند که این امر درمان‌بخش می‌باشد.

۹. برای رهایی گوسفندان از کرم‌هایی که داخل مجاری تنفسی می‌باشد: کمی تنباکو را کوبیده و در بینی دام فوت کرده که این امر درمان‌بخش می‌باشد.

۱۰. **گرگ گرفتگی:** عشایر ایل سلیمانی برای زایل کردن اثر نیش گرگ، سنگی را داغ کرده، به موضع زخم می‌گذارند و این عمل را سنگ‌داغ می‌گویند (علیمرادی، ۱۳۹۵: یادداشت ۳۱۳).

بحث و نتیجه‌گیری

دانش بومی جزء میراث و سرمایه ملی است و دست‌مایه جوامع محلی برای مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. این دانش قابلیت بالایی برای تجاری شدن و کسب سود داشته و نقش ویژه‌ای نسبت به بهبود رفاه اقتصادی و معیشتی عشایر ایفا می‌نمایند. این دانش به دلیل رعایت ملاحظات زیست‌محیطی فاقد آثار زیان‌بار و مخرب است و بنابراین همسو و هماهنگ با مؤلفه‌های توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست می‌باشد (سالاروند و خسروی پور، ۱۳۹۲: ۱۰). از سوی دیگر دانش بومی به لحاظ فرهنگی موجب قوام و دوام هویت جوامع عشایری

است و به‌عنوان عاملی بازدارنده جهت جلوگیری از مهاجرت عشایر به شهرها تلقی می‌شود. تولیدات ناشی از دانش بومی به‌گونه‌ای تبلور نمودهای فرهنگی بوده و ملاکی برای بومی‌سازی تکنولوژی‌های نوین و عاملی مؤثر و تکمیل‌کننده جهت اجرای طرح‌های ملی و برنامه‌های عمرانی بوده و نقش ویژه در درآمد ملی دارد. البته از نقش بالقوه و بالفعل آن جهت ظرفیت‌سازی برای تولید کار، اشتغال و کارآفرینی نباید غفلت نمود. نظر به این که دانش بومی با بهره‌گیری خردمندان و مسئولان از محیط از شیوه‌های عقلانی تبعیت می‌کند، پس عاملی برای خوداتکایی جوامع محلی است (گلزاری و میردامادی، ۱۳۸۹: ۳۰).

فراورده‌های لبنی زنان عشایر ایل سلیمانی شامل دوازده فراورده آغوس، تازه، ماست، دوغ، کشک، توراق، کره، روغن، ماست کیسه‌ای، ترف، پنیر و سرشیر می‌باشد. این محصولات به‌عنوان اغذیه اصلی خانواده‌ها محسوب می‌شوند. اگرچه بیش از ۹۰ درصد فراورده‌های لبنی عشایر منطقه وارد بازارهای محلی شده و باقیمت‌های مناسب به فروش می‌رسند. مهم‌ترین محصولات لبنی که دامداران برای فروش به بازار می‌برند شامل شیر، کشک و روغن می‌باشد. فروش محصولات لبنی بخش مهمی از درآمد گله‌داران منطقه است و جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد خانواده‌ها دارد. شاه‌حسینی (۱۳۷۹) ۲۰ فراورده لبنی و قربانی (۲۰۱۳) ۹ فراورده لبنی را به ترتیب در میان عشایر سمنان و دامداران روستای ناریان منطقه طالقان گزارش کرده‌اند.

عشایر از دیرباز به‌منظور تهیه وسایل مورد نیاز زندگی روزمره خویش، از تمام ظرفیت‌های موجود در محیط استفاده برده‌اند. آنان به‌مرور آموخته‌اند چگونه با فرآوری پشم، مو و پوست ضمن بهره‌برداری بهینه از پتانسیل‌ها با استفاده از مواد موجود در طبیعت به تأمین نیازهایشان بپردازند (پاپ زن و افشار زاده، ۱۳۹۰: ۴۰). تولید حداقل پنج محصول از پوست و انواع صنایع‌دستی از جمله قالی، حصیر، سیاه‌چادر، آسیاب دستی، خورجین، مفرشو، جاجیم، و گلیم برای تأمین کالاهای مورد نیاز زندگی روزمره و حتی تأمین معیشت خانوار حکایت از این امر دارد. یکی از مهم‌ترین صنایع‌دستی

منطقه سیاه‌چادر می‌باشد. الگوی زیست کوچندگی حاصل انطباق با شرایط اقلیمی سرزمین‌های خشک و سکونتگاه‌های عشایری حاصل انطباق با شرایط کوچندگی است. عشایر به تبع نوع زندگی و ضرورت‌های زیستی، سکونتگاه‌هایی با مشخصات ویژه دارند که در همسازی کامل با شرایط حاکم بر زندگی‌شان است. سیاه‌چادر به عنوان یک سکونتگاه با مصالح محلی و به صورت دست‌ساز توسط خود عشایر ساخته می‌شود. به همین منظور این سکونتگاه‌ها همسو با طبیعت بوده و باعث تخریب خاک و محیط‌زیست نمی‌شوند. این سازه به دلیل سادگی و کم‌هزینه ساخت، تعمیرات و نگهداری و حتی قابل حمل بودن (سیاه‌چادر) کاملاً سازگار با شیوه زندگی عشایری است. این بخش از تحقیق با مطالعات فروتنی (۱۳۹۳) و شاه‌حسینی (۱۳۸۴) که بیان می‌دارند سازه‌های سنتی سکونتگاهی عشایر چهارفصل است که با اندک تغییرات، خود با تغییرات فصول هماهنگ می‌گردند و در آن علاوه بر رعایت شرایط لازم برای زندگی، به جنبه‌های هنری نیز توجه شده است همسو می‌باشد.

در منطقه مورد مطالعه زنان عشایر با توجه به آفات و بیماری‌های دامی و گاهی جراحات ناشی از حمله گرگ و وحوش، برای درمان آن‌ها از روش‌های طب سنتی بومی استفاده می‌کنند که معمولاً بسیار مؤثر بوده و باعث درمان قطعی دام‌ها می‌شود. در این تحقیق با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته با زنان عشایر ایل سلیمانی، آنان قادرند به کمک داروهای گیاهی بومی منطقه بیش از ده بیماری دامی را درمان کنند، اگرچه تعدادی بیماری جدید نیز در منطقه شایع شده است که برای این‌گونه بیماری‌ها از دامپزشک متخصص و داروهای شیمیایی استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که با مطالعه بیشتر در این زمینه و استفاده از امکانات جدید جهت تشخیص علائم بیماری‌ها، می‌توان در زمینه درمان از روش‌های مفید بومی و داروهای گیاهی محلی بهره برد و راهی به منظور کاهش مصرف بی‌رویه انواع داروهای شیمیایی با عوارض جانبی فراوان ایجاد نمود و با تولید محصولات سالم و ارگانیک زمینه امنیت غذایی بومیان منطقه و مصرف‌کنندگان محصولات دامی عشایر را تضمین نمود. در این زمینه شاه‌حسینی

(۱۳۸۴) بیان نموده است که عشایر ایل سنگسری قادر به شناسایی و درمان بیش از چهار بیماری دامی می‌باشند و برای درمان از روش‌های بومی استفاده می‌کنند. همچنین افشار زاده و پاپ زن (۱۳۹۰) نیز گزارش کردند که زنان عشایر ایل کلهر نیز قادر به درمان بیش از یازده بیماری با داروهای گیاهی و ابزار دامپزشکی بومی می‌باشند. فرهادی (۱۳۷۸) و امانی (۱۳۹۳) نیز بیان نمودند که عشایر سیرجان قادر به درمان تعدادی از بیماری‌های دامی به روش‌های سنتی می‌باشند.

مستندسازی دانش بومی عشایر چون نشان‌دهنده مجموعه‌ای از مهارت‌ها، باورها، ابزارها و روش‌ها است و به‌مثابه بخشی از میراث قومی و حافظه جمعی یک شیوه زندگی در طول تاریخ است. حائز اهمیت بوده و می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح و تبلیغات گسترده از طریق رسانه‌هایی مانند: اینترنت، تلویزیون، رادیو و مجلات و روزنامه‌ها باعث جذب اکوتوریسم به مناطق عشایری شد و معیشتی پایدار را برای عشایر به ارمغان آورد و برای کشور ارزآوری کرد تا هم از مهاجرت و اسکان عشایر جلوگیری کرد و هم وابستگی کشور به منابع تجدید ناپذیر را کم کرد. امروزه به علت تنوع شرایط اکولوژیکی مراتع، نوع مدیریت در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق عشایری، معرفی دانش بومی و قابلیت‌های فردی زنان و مردان عشایر ضروری است. اگرچه تا به حال دانش بومی زنان عشایر در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های مرتع‌داری کمتر مورد توجه کارشناسان و محققان قرار گرفته است ولی به نظر می‌رسد با معرفی هر یک از این روش‌های سنتی در مدیریت پایدار می‌توان زمینه اشتغال و توسعه مناطق عشایری را رونق بخشید.

با توجه به نتایج بدست آمده از این تحقیق پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد: ۱- جهت بهبود وضعیت معیشت و افزایش میزان تولیدات عشایر باید دانش بومی زنان مورد توجه و تأکید مدیران و کارشناسان قرار گیرد. ۲- گسترش شبکه‌های دانش بومی. ۳- مستند کردن دانش بومی و فراهم کردن اطلاعات قابل‌دسترس برای افراد درگیر در توسعه که یکی از راهکارهای حفظ و بقای دانش بومی می‌باشد. ۴-

بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی زنان عشایر ... ۱۹۵

فراهم نمودن عرصه‌هایی جهت انتقال دانستنی‌ها و معلومات زنان عشایری به متولیان بخش‌های تحقیقات و بازار و عوامل مرتبط با آن. ۵- مشارکت دهی زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری توسعه عشایری.

منابع

- افشار زاده، نمشیل؛ پاپ زن، عبدالحمید. (۱۳۹۰)، دانش بومی زنان در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی، *زن در توسعه و سیاست*. دوره ۹، شماره ۴.
- امانی، ایرج. (۱۳۹۳)، *عشایر سیرجان*، انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، کرمان.
- بارانی، حسین. (۱۳۸۲)، بررسی مبانی فرهنگ مرتع‌داری در بین گله‌داران البرز شرقی. *پایان‌نامه دکتری مرتع‌داری*، دانشگاه تهران.
- بوذرجمهری، خدیجه؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۴)، تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۹، شماره ۱.
- پاپ زن، عبدالحمید؛ افشار زاده، نمشیل. (۱۳۸۹)؛ دانش بومی شناسایی، تولیدمثل و به‌گزینی دام در میان زنان عشایر کوچنده ایل کلهر. *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۱۳، شماره ۴.
- پاپ زن، عبدالحمید؛ افشار زاده، نمشیل. (۱۳۹۰)، دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سبیه مال، سازه پرتابل ایل. *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۳، شماره ۲.
- حیدری، قدرت‌اله؛ سعیدی گراغانی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). معرفی دانش بومی بهره‌برداران مراتع در صنعت اکوتوریسم (مطالعه موردی: مراتع ییلاقی دماوند بخش لاریجان). *مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار مرودشت*.
- راسخی، ساره؛ قربانی، مهدی؛ مهربانی، علی‌اکبر؛ جوادی، سید اکبر. (۱۳۹۳)، بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی و انسجام اجتماعی در مدیریت شیر دام‌های چراکننده در مرتع (مطالعه موردی: روستای قصر یعقوب- خرم‌بید-

- استان فارس). نشریه مرتع و آبخیزداری، *مجله منابع طبیعی ایران*، دوره ۶۷، شماره ۲.
- سالاروند، زهرا؛ خسروی پور، بهمن. (۱۳۹۲)، تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار روستایی. *فصلنامه کشاورزی و توسعه پایدار*، دوره ۴۸.
- سعیدی گراغانی، حمیدرضا. (۱۳۹۵)، امکان‌سنجی تشکیل بازارهای محلی و تأثیر آن بر معیشت پایدار بهره‌برداران مراتع (مطالعه موردی: عشایر منتخب استان کرمان)، *رساله دکتری مرتع‌داری*، دانشگاه تهران.
- سعیدی گراغانی، حمیدرضا؛ ارزانی، حسین؛ قربانی، مهدی. (۱۳۹۵). تحلیل ساختار اجتماعی و دانش بومی ایل محمدی سلیمانی شهرستان جیرفت. *فصلنامه مرتع*، دوره ۱۰، شماره ۱.
- شاه‌حسینی، علیرضا. (۱۳۷۹)، زنجیره لابیات در عشایر استان سمنان، *نمایه پژوهش*، دوره ۴، شماره ۱۳ و ۱۴.
- شاه‌حسینی، علیرضا. (۱۳۸۴)، *عشایر ایل سنگسری، از کرانه‌های کویر تا بلندای البرز*، انتشارات بوستان اندیشه، چاپ اول.
- شاه ولی، منصور؛ اردکانی، محمد. (۱۳۸۵)، *مبانی، مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی*، تهران، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- شاهرودی، عبدالرضا؛ چیدری، محمد. (۱۳۸۵)، تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی. *ماهنامه جهاد*، دوره ۲۷۱، شماره ۱ و ۲.
- طهماسب، رضا. (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر شیوه‌های سنتی بهره‌برداری بر مدیریت و وضعیت مراتع (مطالعه موردی: مراتع عشایر طایفه شش بلوکی استان فارس)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری.

بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی زنان عشایر ... ۱۹۷

- بابایی عمران، علی؛ الهه، قربانی؛ مهدی، مروی؛ مهاجر، محمدرضا؛ عواطفی همت، محمد. (۱۳۹۳)، دانش بومی و سنت‌های محلی در تولید و مدیریت محصولات دام گوسفندی (مطالعه موردی: روستای کدیر- استان مازندران)، *نشریه علمی پژوهشی مرتع*، دوره ۸، شماره ۱.

- فروتنی، بهزاد. (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای دیدگاه کارشناسان و بهره‌برداران نسبت به مشارکت جوامع محلی در مدیریت پایدار مراتع (مطالعه موردی مراتع دشت بهار شهرستان همدان)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتع‌داری*، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۷)، *موزه‌های بازیافته*، انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، کرمان.
- گلزاری، اعظم، میردامادی، سید مهدی. ۱۳۸۹. دانش بومی رویکرد کاربردی در توسعه پایدار، *فصلنامه نظام‌مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، دوره ۳۰، شماره ۸.

- لری جعفرآبادی، اکبر. (۱۳۹۱)، بررسی وضعیت دهستان اسفندقه، *سمینار درس جغرافیای روستایی ایران*، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- محمدی هما، حاجی علی. (۱۳۸۵)، فن‌آوری تهیه زغال در ایران، پژوهشی در حوضه دانش بومی، *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۳۴.

- معتمدی، غلامرضا. (۱۳۸۵)، بهره‌گیری از دانش سنتی، رمز توسعه پایدار روستایی، *فصلنامه نظام‌مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*.

- میرک‌زاده، علی‌اصغر؛ علی‌آبادی، وحید؛ شمس، علی. (۱۳۸۹)، واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی. *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۱۳، شماره ۲.

- Ghorbani, M., Azarnivand, H., Mehrabi, A.A., Nayebi, H., Seeland, K. (2013). The Role of Indigenous Ecological Knowledge in Managing

- Rangelands Sustainably in Northern Iran. *Ecology and Society Journal*, 18(2): 1-15.
- Grimble, R. and Laidlaw, M. (2002). Biodiversity management and local livelihoods: Rio plus 10. *ODI Natural Resource perspectives*, No. 73. Januray.
 - Hare, M & J. Krywkow. (2008). *Participatory process management. International Congress on Environmental Modeling and Software*, pp: 888-899.
 - Kalland, A. (1994). *Indigenous knowledge- local knowledge: prospects and limitation. In Arctic Environment: A report on the seminar on integration of indigenous peoples' knowledge*. Copenhagen: Ministry of the Environment, the Home Rule of Greenland, pp: 67-50.
 - Okereke, E. (2012). Indigenous knowledge system, The need for reform and the way forward global advanced reaserch, *journal of Agricultural science*. 1(8): 201-209.
 - Osman, F. (2012). The value of womens indigenous knowledge in food processing and preservation for achieving household food security in rural Sudan. *Journal of Food Research*, 1(1): 18-26.

مصاحبه‌ها

- آذر مارکی، زن ایل محمدی سلیمانی.
- اشرف علیمرادی، زن ایل محمدی سلیمانی.
- پوران علیدادی، زن ایل محمدی سلیمانی.
- زهرا محمدی، زن ایل محمدی سلیمانی.
- زینب سلیمانی، زن ایل محمدی سلیمانی.
- حیات سلیمانی، زن ایل محمدی سلیمانی.
- فاطمه محمدی سلیمانی، زن ایل محمدی سلیمانی.

بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی زنان عشایر ... ۱۹۹

- مهوش محمدی سلیمانی، زن ایل محمدی سلیمانی.